



حلول ماه مبارک
ربیع الاول را به جامعه
شریف کارگران و
بازنشستگان تبریک و
شادباش عرض می نماییم.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

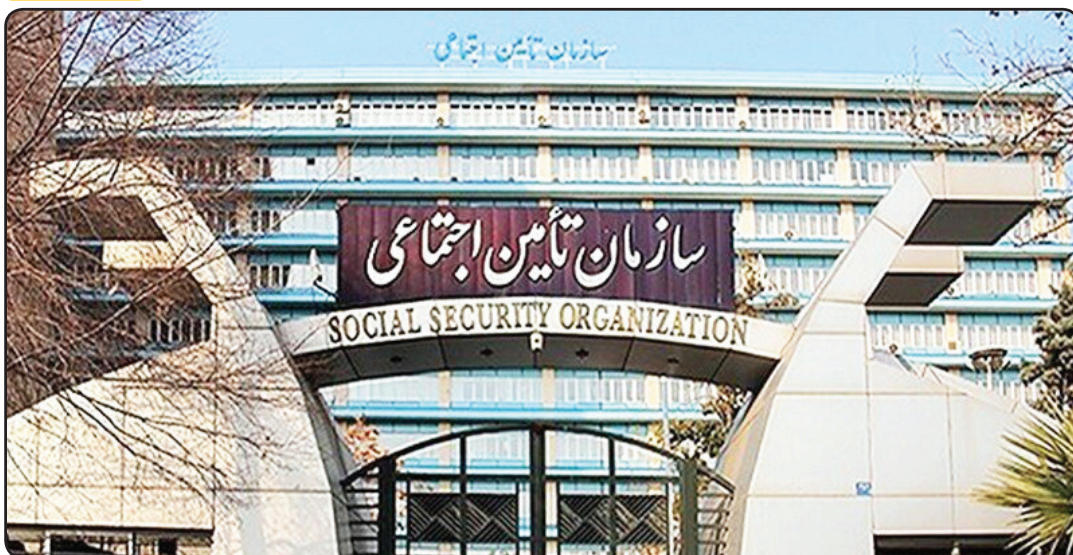


سال سیزدهم
شماره ۱۴۹
شهریور ماه ۱۴۰۲

هشدار دو مسئول ارشد «اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری» درباره مفاد لایحه هفتم توسعه

بحران در بزرگ ترین صندوق بیمه ای ایران

۴۰۰ قلم دارو از پوشش بیمه ای خارج شدند!



صفحه ۳

دولت مصمم است تعهداتش را به سازمان تامین اجتماعی کاهش دهد

دولت محترم! آقای وزیر! این جهنم را شما برای ما ساخته اید

صفحه ۴

طرح اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در برابر لایحه هفتم

صفحه آخر

به مناسبت حادثه دلخراش معدن طزره ایران؛ تسلیت!!

همین صفحه

سخن مدیرمسئول

قلب مان آتش گرفت!

صفحه ۲

به قلم سردبیر چاره ای جز شنیدن سخن به حق ما باقی نمانده

صفحه ۲

بازنشسته با سیلی صورتش را سرخ نگاه می دارد!

حسن صادقی

سخن مدیرمسئول

قلب مان آتش گرفت!



حادثه دلخراش معدن "طزره" در استان سمنان اولین نبود و آخرین هم نخواهد بود! ۶ کارگر قهرمان ایرانی در زیر آوار سهل انگاری ها و عدم نظارت مدفون شدند و با کمال تأسف جان باختند! اینان شهیدان معیشت سخت این روزگارند! تلاش برای لقمه ای نان در اعماق زمین ارزشی دارد که با هیچ واژه و جمله ای نمی توان آن را توصیف نمود!

قلب مان آتش گرفت زمانی که خبر را شنیدیم؛ قلب ایران و کارگران هم به تپش افتاد! بعد از ساعت ها کار سخت و طاقت فرسا؛ به جای فراغت روزانه؛ آرامش ابدی دست یافتند متأسفانه!

همدردی و بیانیه دادن و همه اینها درمان نیستند! باید کاری کرد! آخر تا کی باید هر ساعت و هر روزمان توام گردد با خبرهایی از جنس حوادث ناشی از کار؟! ۱۲ شهریور؛ قلب همه مان چند لحظه ای باز ایستاد! کارگرانی که شاید چند صباحی دیگر به کاروان بازنشستگان می پیوستند و امروز در میان ما نیستند؛ متأسفانه!

از طرف جامعه شریف کارگری و بازنشستگان محترم و اعضای محترم هیات مدیره پیشکسوتان جامعه کارگری این ضایعه عظمی را به ملت شریف ایران، کارگران نجیب و بازنشستگان گرامی تسلیت و تعزیت عرض نموده و از خداوند مهربان برای درگذشتگان مغفرت و برای بازماندگان خصوصاً خانواده های محترم شان صبر و شکیبایی مسألت می نمایم.

اطلاع رسانی

قابل توجه بازنشستگانی که بیمه تکمیلی خود را به شکل تعرفه ای دریافت کرده اند

اسدی ادامه می دهد: علیرغم همه این احوال، شرایط مناقصه در سال گذشته برای آتیه سازان حافظ برقرار بود و این شرکت نیز تعهد کرد که خدمات خود را به روز کند. در ماه گذشته نیز خدمات این شرکت تقریباً به روز شده بود. اما این ماه ما مقداری مشکل در پرداخت حق بیمه از طرف سازمان تامین اجتماعی داشتیم و هنوز در این زمینه ما حق بیمه مردادماه را ندادیم. حق بیمه ای که از حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی کسر می شود تا به آتیه سازان حافظ پرداخت شود، مدتی است پرداخت نشده و تازه اوایل شهریور حق بیمه تیرماه پرداخت شده است. معوقات ماه تا حدود ۴۵ روز نیز عقب افتاده بود که احتمالاً تا نیمه شهریورماه همه آن ها پرداخت و به روز می شود. رئیس هیات مدیره کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی با اشاره به گلیه های بازنشستگان از خدمات بیمه تکمیلی خود گفت: تعلل ها در پاس کردن فاکتورها مطرح است و ما طبق قرارداد باید براساس فاکتور از خدمات بیمه تکمیلی استفاده کنیم، اما گاهی مشاهده شده که آتیه سازان حافظ بر مبنای تعرفه با بازنشستگان حساب کرده است و فاکتور ملاک نبوده که نباید چنین باشد.

وی در پایان تصریح کرد: پرداخت تعرفه ای کمتر از فاکتورهاست و طبق قرارداد ما نیست و از همین جا اعلام می کنم که اگر احدی از بازنشستگان دارای بیمه تکمیلی براساس تعرفه با او محاسبه شده به ما مراجعه کند زیرا تسویه هزینه های درمانی مشمول بیمه تکمیلی باید برابر کل فاکتور محاسبه و انجام شود. اگر مواردی براساس تعرفه هزینه درمانی دریافت کرده و سقف تعهدات سالانه شان نیز همچنان پر نشده بوده و در چنین شرایطی که سقف پر نشده، تعرفه ای با آن ها حساب کردند، حتماً به شعب کانون بازنشستگان منطقه و شهرستان خودشان مراجعه و گزارش دهند تا حتماً به این موارد رسیدگی کنیم.

رئیس هیات مدیره کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی گفت: در انعقاد و تمدید قرارداد با آتیه سازان حافظ از جانب ما بازنشستگان اصراری وجود ندارد و ما هر ساله بین شرکت های مختلف از طریق روزنامه های کثیرالانتشار مناقصه برگزار می کنیم.

مسئله درمان بازنشستگان تامین اجتماعی به یکی از پرمناقشه ترین مباحث حوزه بازنشستگی در سال های اخیر تبدیل شده است. از آنجا که توان مالی سازمان تامین اجتماعی برای برآورده کردن تعهدات خود طبق قانون الزام برای درمان بازنشستگان در سال های اخیر تا حدی کاهش یافته، بازنشستگان و تشکل های مربوطه براساس اجبار به سراغ بیمه های تکمیلی دیگری رفته اند. در این رابطه بازنشستگان همچنان مشکلات و دغدغه هایی دارند؛ از جمله اینکه با وجود پرداخت تعرفه های بالا خدمات لازم را از بیمه تکمیلی دریافت نمی کنند. از سوی دیگر، شرکت طرف قرارداد نیز مدعی است به دلیل کپولت سن تمامی طرف های قراردادش، ریسک بالایی را تحمل می کند.

رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی در باره چرایی انتخاب بیمه آتیه سازان حافظ می افزاید:

ترجیح این است که یک بیمه تکمیلی بزرگ و دولتی این خدمات را ارائه دهد. زیرا شرکت بیمه تکمیلی طرف قرارداد باید بتواند از عهده حجم بالای مراجعه و تعهد بر بیاید. شرکت بیمه آتیه سازان حافظ نیز یک شرکت صد در صد دولتی است که تابع بیمه مرکزی نیز نیست. این شرکت هر ساله در مناقصه شرکت می کند و نرخ های پیشنهادی آن نیز به گونه ای است که در مقایسه با دیگر شرکت ها توان رقابت قابل ملاحظه ای دارد. با ایسن وجود برخی کانون های بازنشستگی شهرستانها تمایلی به ادامه قرارداد با بیمه تکمیلی آتیه سازان حافظ نداشتند.

«اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

حادثه دلخراش انفجار گاز در معدن ذغال سنگ طزره در استان سمنان و درگذشت غمبار ۶ تن از کارگران شریف و زحمت کش شاغل در این معدن، موجب تألم و تأثر ملت ایران و جامعه شریف کارگری و بازنشستگان محترم گردید. ماهنامه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری مراتب تسلیت خود را به بازماندگان این عزیزان اعلام می نماید. از خداوند مَنَّان برای درگذشتگان علو درجات و برای خانواده های داغدار، صبر و شکیبایی مسألت می نماید.



حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری؛

بحران در بزرگ ترین صندوق بیمه ای ایران

بگذاریم سازمان تامین اجتماعی نفس بکشد



به قلم سردبیر

چاره ای جز شنیدن سخن به حق مابقی نمانده

مسئولین محترم با شما هستیم. عقل و شرع و قانون و منطق حکم می کند که سخن به حق ما را بشنویید. مطالبات و خواسته های جامعه ای هدف ما که بازنشستگان و کارگران و مستمری بگیران عزیز و مظلوم می باشد کاملاً قانونی و منطقی است. ما هیچ چیزی فراتر از قانون و خارج از چهارچوبی که قانون برای ما تعیین کرده است خواسته و مطالبه ای نداشته و نخواهیم داشت. ما بدون راهبها و جنگجوها و سیاسی مطالبات صنفی و قانونی و به حق خود را مطرح و پیگیری خواهیم کرد. ما هنوز از این شوک خارج نشده ایم که چطور دوستان عزیز ما نمایندگان کارگر در شورایی کار به عده و قول شفافیتی وزیر کار مبنی بر مهار تورم و در صورت عدم مهارت تشکیل جلسه ی شورایی کار به منظور ترمیم دستمزد سال ۱۴۰۲، اعتماد کردند و تن به امضاء مصوبه ای کاملاً غیرقانونی حقوق دستمزد سال ۱۴۰۲ دادند. مصوبه ای که واضح و آشکارا مثل روز خلاف قانون بودن آن محرز و مسلم است. گرچه دیوان عدالت اداری دادخواست تظلم خواهی جماعت مظلوم و محروم کارگرو بازنشسته و مستمری بگیر را در خصوص ابطال مصوبه ی غیرقانونی دستمزد شورایی کار را نپذیرفت و آن را رد کرد. ولی ما در سایه ای الطاف الهی مصمم و محکم و امیدوار از تمام توان و ظرفیت های قانونی خود استفاده خواهیم کرد و نیل به این هدف به حق خود را با سماجت هرچه بیشتر پیگیری خواهیم کرد و بر این باوریم که خداوند متعال به حرکت های ما اثر و برکت لازم را عنایت می فرماید. همچنین اعتقاد داریم که همه باید به قانون تن دهیم چرا که در غیر این صورت سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و در چنین محیطی هیچ کس منتفع نخواهد شد و همه باهم زیان خواهند دید. گرچه وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی از تشکیل جلسه ی شورایی کار مبنی بر ترمیم حقوق دستمزد سال ۱۴۰۲ ظفره می رود و وزیر کار قولی را که در شورایی کار کار و در هنگام تصویب مصوبه حقوق دستمزد سال ۱۴۰۲ داده بود را فراموش کرده، ولی ما پرتوان و پرتلاش و با امید و دلگرمی فراوان در جهت وصول مطالبات به حق و قانونی خود گام بر خواهیم داشت و انشا... به فضل و یاری پروردگار پیروز این میدان مایم.

در کشور یعنی سازمان تامین اجتماعی با کسری منابع نسبت به مصارف روبه رو شود. و نتواند تعهدات آنی را با تکیه بر منابع در اختیار خود جبران کند. این پیش بینی مشخص می کند در صورتیکه برنامه ای برای اصلاح ساختار سازمانهای بیمه گر تدوین نشود، ناپایداری مالی این سازمان در آینده می تواند به یک بحران عمیق در کشور تبدیل شود. از این رو اصلاحات در سازمانهای بیمه گر امری ضروری به نظر می رسد به عنوان مثال در حوزه بازنشستگی اصلاحات سیستم های بازنشستگی عموماً در دو سطح تعریف میشوند. نخست پارامتریک که شامل تغییر در شرایط احراز بازنشستگی، تغییر در شرایط محاسبه مستمری و تغییر در نرخ حق بیمه است. دوم اصلاحات ساختاری است که طی آن شیوه تامین مالی از حالت پرداخت از محل حق بیمه فعلی به حالت اندوخته گذاری یا همان پرداخت از محل پس انداز افراد در گذشته یا برعکس و شیوه تعیین مزایا از حالت مزایای معین (مبتنی بر دستمزد زمان اشتغال) به حالت حق بیمه معین (مبتنی بر حق بیمه پرداختی) یا برعکس تغییر می کند. هر چند دولت سیزدهم تاکنون بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از بدهی های انباشته شده دولت ها را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده است اما باید به خاطر داشته باشیم چنانچه سیاست های ایلانی تامین اجتماعی از سوی رهبری انقلاب سرلوحه دولت و مجلس قرار نگیرد و همواره در اتخاذ تصمیمات و قانونگذاری ها خانواده بزرگ تامین اجتماعی در نظر گرفته نشود، عرصه بر سازمان تامین اجتماعی تنگ تر و تنگ تر خواهد شد. بپذیریم که بحران های موجود در این سازمان ناشی از یک فرآیند چندین ساله است. اما اولین گام برای اصلاح امور این سازمان، داشتن اراده ای اصلاحی و قوی و در چارچوب قرارداد حل مسائل با رعایت اصول و موازین علمی و قانونی و تبیین آن برای نظام تصمیم سازی و تصمیم گیران کلان کشور است.

آنچه باید مد نظر قرار گیرد این است که آستانه تحمل سازمان تامین اجتماعی آرام آرام کم می شود و چنانچه رویه های مدیریتی تداوم داشته و تعهدات جدید بردوش سازمان تامین اجتماعی - با نادیده گرفتن منافع قریب به ۴۵ میلیون بیمه شده - ادامه یابد، روزهای سخت امروز سازمان تامین اجتماعی به روزهای بحرانی تبدیل خواهد شد؛ بگذاریم سازمان تامین اجتماعی نفس بکشد. این روزها گمانه زنی هایی در خصوص تغییر مدیریت فعلی سازمان تامین اجتماعی می شود. در حالی که با اقدامات مؤثر مدیریت قبلی سازمان آقای دکتر سالاری و به دنبال آن نوع مدیریت فعلی سازمان و اقدامات اصلاحی آقای "هاشم موسوی" شایسته است ایشان در پست مدیریت سازمان باقی بمانند. چرا که جایگزین کردن فرد دیگری که ممکن است به امورات سازمان آشنا نباشد، ریسکی بزرگ محسوب می شود.

در پایان تاکید بر ثبات مدیریت و بهبود امور، خارج کردن این سازمان عظیم از فرد محوری به خرد جمعی و دخالت معقول شرکای اجتماعی در تعیین سرنوشت این سازمان داریم که اگر چنین نشود بیم آن داریم که خسارات جبران ناپذیری متوجه این سازمان گردد.



مهمترین دلیلی که سبب شده سازمان تامین اجتماعی به این نقطه مظاره آمیز برسد عبارتند از انجام نشدن تعهدات دولت در مقابل این سازمان، بازنشستگی های پیش از موعد، مصوبات دولت، شورای اقتصاد و مجلس شورای اسلامی در خصوص افزایش قیمت ها و تعرفه ها، پایین بودن درصد اشتغال، عدم بهره گیری از فرصت ها است

است نیز سبب بروز بحران در سازمان هستند. از جمله این قوانین می توان به سن بازنشستگی پایین در کشور (۵۰ سال سن در صورت داشتن سابقه بیمه پردازی به مدت ۳۰ سال) و شرایط تسهیل کننده بازنشستگی پیش از موعد اشاره نمود که باعث شده دوره دریافت مستمری نسبت به دوره پرداخت حق بیمه طولانی باشد. برای مثال به طور میانگین هر فرد در سازمان تامین اجتماعی ۲۵ سال حق بیمه پرداخت می کند و ۲۳/۵ سال خود فرد یا وارث او از مستمری بهره مند می شوند. این در حالی است که مطالعات بانکی نشان می دهد برای حفظ پایداری سیستمهای عمومی بازنشستگی لازم است دوره دریافت مستمری به حد اکثر زیر ۲۰ سال محدود شود. جالب است بدانیم سازمان تامین اجتماعی پس از اجرای متناسب سازی حقوق بازنشستگان کشور هر ماه بالغ بر ۳۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به بازنشستگان حقوق پرداخت می کند به این عدد باید ۹ هزار میلیارد تومان رهام به عنوان هزینه درمان بیمه شدگان به صورت ماهانه بیفزاییم. در کنار این اعداد ماهانه ۲۵۰۰ میلیارد تومان هزینه تعهدات کوتاه مدت شامل بیمه بیکاری غرامت دستمزد، دارو و پروتز را باید اضافه کرد و به انضمام ماهانه ۲۵۰۰ میلیارد تومان هزینه جاری شامل حقوق و دستمزد و تعمیرات و سایر هزینه ها بایک حساب سرانگشتی ما به عدد ۵۱ هزار میلیارد تومان در ماه بابت هزینه های اولیه و ضروری سازمان می رسیم. به خاطر داشته باشیم در روزهای نه چندان دور ضرب پستیانی سازمان ۱۲ به یک بود یعنی ۱۲ نفر مشغول کار بودند و ماهانه حق بیمه پرداخت می کردند و یک نفر حقوق بازنشستگی دریافت می کرد. اما امروز این عدد به ۲/۵ است که البته به مدد سیاست های اشتباه کاهش جمعیت در سنوات گذشته این ضریب در آینده نیز به روند کاهشی خود ادامه خواهد داد. واقعیت های آماری نشان می دهد بزرگترین سازمان بیمه گر کشور یعنی سازمان تامین اجتماعی در آینده ای نه چندان دور با کسری بودجه در پرداخت حقوق بازنشستگان خود مواجه خواهد بود. به عبارتی پیش بینی می شود بزرگترین سازمان ارائه دهنده خدمات بازنشستگی

چندی پیش هفتادمین سالگرد تاسیس سازمان تامین اجتماعی را در حالی جشن گرفتیم. این سازمان بین نسلی با پوشش بالغ بر نیمی از جمعیت کشور، به بزرگترین سازمان بیمه گر اجتماعی تبدیل شده است. به روایت اعداد و ارقام می توان به گستردگی این سازمان بیمه گری برد.

۳۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بیمه شده اصلی و تبعی به همراه ۸ میلیون بازنشسته و مستمری بگیر اصلی و تبعی عضو خانواده بزرگ تامین اجتماعی هستند، ۷۹ مرکز بیمارستانی، ۵ مرکز جراحی محدود ملکی و ۳۱۸ مرکز درمان سرپایی در سطح کشور با بکارگیری ۴۶۱۹۵ نفر نیروی انسانی متخصص پزشک و غیر پزشک در حال خدمت رسانی به بیمه شدگان تامین اجتماعی کشور هستند. بالغ بر ۲۰ هزار پزشک و دندانپزشک و ۱۳ هزار داروخانه، ۱۵ هزار مرکز پاراکلینیک، ۳ هزار درمانگاه و ۱۰۰۳ بیمارستان در سراسر کشور با سازمان تامین اجتماعی طرف قرارداد هستند؛ در بحث اقتصادی و سرمایه ای سازمان در ۹ حوزه صنعتی راهبردی و حاکمیتی مانند نفت و گاز و انرژی، پتروشیمی، صنعت دارویی، معدن و صنایع عمومی فعال است. میزان نیروی انسانی فعال در کل سازمان به همراه مجموعه سرمایه گذاری چیزی در حدود ۱۵۰ هزار نفر است. این گستردگی و چندوجهی بودن سازمان تامین اجتماعی، طبیعتاً هزینه های فراوانی را برای سازمان به دنبال خواهد داشت که اگر درآمدها و منابع ورودی به سازمان پاسخگوی آن نباشد، بحران ها و آسیب های جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت. معضلی که سازمان تامین اجتماعی امروز با آن روبروست.

بر اساس اعلام بانک جهانی، بحران سازمانهای بیمه گر، جزء معضلات اصلی اقتصاد ایران به شمار می آید. این بحران را می توان از جنبه های مختلف بررسی کرد. اما آنچه که در حال حاضر از آن به عنوان معضل اصلی سازمانهای بیمه گر ایران یاد می شود، ناپایداری مالی این سازمانها است. دلایل متعددی باعث شده سازمانهای بیمه گر در ایران به طور عام و سازمان تامین اجتماعی به طور خاص با کسری منابع مالی در آینده روبرو باشند. مهمترین دلیلی که سبب شده سازمان تامین اجتماعی به این نقطه مظاره آمیز برسد عبارتند از انجام نشدن تعهدات دولت در مقابل این سازمان، بازنشستگی های پیش از موعد، مصوبات دولت، شورای اقتصاد و مجلس شورای اسلامی در خصوص افزایش قیمت ها و تعرفه ها، پایین بودن درصد اشتغال، عدم بهره گیری از فرصت ها، ذخایر و منابع، عدم افزایش دستمزدها متناسب با تورم و اعلام غیر واقعی دستمزدها، اختصاص بخش عمده ای از ذخایر سازمان به احداث مراکز درمانی غیر ضروری که بیشتر رویکرد سیاسی این ساخت و سازها مطرح است پیشی گرفتن مصارف بر منابع، کاهش نرخ وابستگی اجرا نشدن قاعده عدالت، فقدان یک راهبردی مشخص در تعامل با نظام تصمیم گیری و شرکای اجتماعی و عدم برخورداری از سازوکارهای علمی در فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری که مورد تایید تقریباً همه مدیران عامل و هیئت مدیره های قبلی سازمان تامین اجتماعی است؛ از جمله موارد نگران کننده به شمار می آید. برخی قوانین که بدون توجه به پیامدهای مالی آن بر سازمان تامین اجتماعی تحمیل شده

نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی کشور:

۷ میلیون در ماه یعنی فقط زنده ایم؟!

بازنشسته با سبلی صورتش را سرخ نگاه می دارد!

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی مازندران گفت: ۷۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی با ماهی ۷ میلیون تومان فقط زنده اند و صورت خود را با سبلی سرخ نگه می دارند!

"نصرت الله در بایبگی" رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی مازندران در مراسم تجلیل از کانون بازنشستگان شهرستانهای رامسر، تنکابن، عباس آباد و نوشهر ضمن قدردانی از زحمات کانونهای بازنشستگی استان گفت: ۷۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی با ماهی ۷ میلیون تومان فقط زنده اند و صورت خود را با سبلی سرخ نگه می دارند!

تعهدات بیمه آتیه حافظ و مشکلات بازنشستگان در غرب استان زد و گفت: از وزارت تعاون و کار و مدیران سازمان تامین اجتماعی انتظار داریم با اجرای عدالت در خدمات رسانی به بازنشستگان، آرامش را به این خانواده ۴۵ میلیون نفری برگردانند. در بایبگی گفت: استدعا دارم مسئولین محترم نظام و دولت محترم به این سوال بازنشستگان پاسخ دهند که کدام مدیر و مسئول گرامی می تواند یک خانواده ۴ نفره را با ماهی ۷ میلیون تومان مدیریت کند و این در حالی است که بخشی از مستمری بگیران تامین اجتماعی با ماهی یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به اصطلاح زندگی می کنند؟!

او گفت: مسئولان محترم وزارت تعاون و کار و شخص وزیر محترم همواره در سخنان خود دغدغه عدالت و رفاه کارگران و بازنشستگان را دارند؛ هم اکنون زمان عمل به گفتار هاست؛ ترمیم مزد را در دستور کار شورای عالی کار قرار دهند تا بلکه مرهمی بر زخم این جماعت شریف و نجیب و دهها میلیون کارگر باشند.

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی مازندران ضمن انتقاد شدید از شرایط معیشتی بازنشستگان گفت: زندگی امروز پیشکسوتان تولید و سازندگی در شأن نظام جمهوری اسلامی ایران نیست.

نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی کشور تصریح کرد: بازنشستگان شریف ایران، کارگران دیروز این مرز و بوم اند که در سخت ترین شرایط در دفاع مقدس و همزمان سنگر تولید ایثارگری کردند و ۳۰ سال تمام در برابر تحریم های ظالمانه پرچم عزت و شرف جمهوری اسلامی را بالا آورده اند و حالا شایسته نیست که در تامین حداقلی ترین نیازهای خود بمانند!

این مقام کانون بازنشستگان تامین اجتماعی مازندران و کانون عالی ضمن انتقاد از عدم اجرای قانون الزام درمان رایگان، نحوه توزیع تسهیلات بازنشستگان تامین اجتماعی و دخالت های مکرر دولت در امور داخلی سازمان تامین اجتماعی از جمله تلاش برای واگذاری بانک رفاه، گزیری هم به

هشدارهای جدی علیرضا حیدری نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کارشناس مسایل تامین اجتماعی؛ در برنامه هفتم؛ دولت مصمم است تعهداتش را به سازمان تامین اجتماعی کاهش دهد

دولت ایجادنشود. ولی متأسفانه این صراحت در برنامه هفتم وجود ندارد. درخصوص مسائل حمایتی درمورد ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی ۳٪ سهمی را که دولت متعهد به پرداخت به شغالین در این گروه هست در این برنامه تعهدات خودش را کاهش داده است و آن را به دوش کارگر انداخته و در نهایت پرداخت همه سهم را به کارگر منتقل کرده است. در نظام پرداخت حق بیمه کارگر و کارفرما طبقه بندی که در این خصوص انجام داده است. تا دو برابر حداقل دستمزد را دولت مکلف به پرداخت شده است. و از دو برابر حداقل دستمزد تا هفده برابر حداقل دستمزد درصد مشارکت خود را کاهش داده است. و درمورد بیشتر از هفده برابر حداقل دستمزد، دولت و کارفرما هیچ تعهدی در پرداخت حق بیمه آن ندارند، و آن را به سهم کارگر اضافه کرده است. این امر نشان دهنده این است که نظام حمایتی قبلی که تا ۷ برابر دستمزد مشمول پرداخت حق بیمه توسط شرکای اجتماعی یعنی دولت و کارفرما می شد، وجود ندارد و از هفده برابر حداقل دستمزد تا ۷ برابر حمایتی نمی شود و پرداخت آن را به عهده کارگر است.

درمورد قانون خرید خدمت سربازی ۲ سال خدمتی که نیروی کاربرای دولت و نظام انجام داده است تبصره ماده ۱۴ این قانون به صراحت بیان می کند که این ۲ سال مشمول پرداخت حق بیمه سهم کارفرما از سوی دولت می شود، و کارگر باید ۷٪ آن را پرداخت نماید. در اینجا هم دولت از تعهداتش کاسته و عقب نشینی معنی داری را انجام داده است. و مقدار پرداخت حق بیمه حداقل دستمزد را پیش بینی کرده، در حالی که کارگری که کار می کند لزوماً حداقل بگیر نیست و می تواند درآمد بیشتری داشته باشد و اگر کارگری درموقع خرید خدمت سربازی، درآمدش از حداقل دستمزد بیشتر بود، دولت پرداخت حق بیمه حداقل دستمزد را متعهد می باشد و باقی مانده آن را (۲۷٪) خودکارگر باید بپردازد، این مساله می تواند پیامی داشته باشد برای کارگران. به دلیل بارسنگین مالی که برای کارگر ایجاد می شود کارگر از خرید سابقه بیمه خدمت دوران سربازی منصرف می شود. ادامه گفت و گو در صفحه ۴



متأسفانه در هیچ یک از مواد این برنامه درخصوص تعهدات دولت اعم از معوق و جاری به آن معنی که دولت را ملزم و موظف به پرداخت تعهداتش بکند وجود ندارد. گرچه تلویحاً آورده شده که دولت متعهد به پرداخت دیونش می باشد!

طرز موثر و معنی داری کاهش پیدا کرده است و به عبارتی دولت در این خصوص راهبرد عقب نشینی را اتخاذ نموده است! متأسفانه در هیچ یک از مواد این برنامه درخصوص تعهدات دولت اعم از معوق و جاری به آن معنی که دولت را ملزم و موظف به پرداخت تعهداتش بکند وجود ندارد. گرچه تلویحاً آورده شده که دولت متعهد به پرداخت دیونش می باشد! چنانچه برنامه هفتم توسعه را با برنامه ششم مقایسه کنیم در برنامه ششم به صراحت آورده شده بود که دولت باید در پایان برنامه چه میزان از تعهداتش را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید. و تعهد جدیدی در برنامه برای

نایب رئیس اتحادیه در یک گپ و گفت صمیمانه با سیدمجتبی قریشیان مطرح کرد:

شرایط صندوق های بازنشستگی به بحران نزدیک و نزدیک تری می شود دغدغه "علیرضا حیدری" نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان و کارشناس خبره تامین اجتماعی درباره لایحه برنامه هفتم توسعه چیست؟ این برنامه در مراحل نهایی تصویب در مجلس است که پس از چند مرحله بازرگری از جانب دولت به مجلس تقدیم و پس از طی مراحل به کمیسیون تلفیق ارجاع داده شده. پیشنهادهای نمایندگان پس از بررسی مفاد مربوط به هر بند آن در کمیسیون تلفیق، جهت بررسی و تصویب به صحن علنی مجلس می آید. با توجه به اینکه برنامه ششم توسعه تا پایان شهریور ۴۰۲ اعتبار دارد. امیدوارم که این برنامه در موعد مقرر تصویب نمایندگان رسیده و پس از تایید شورای نگهبان برای اجرا ابلاغ شود. با تصویب و اجرای برنامه هفتم، امیدواریم سال آینده رفتارهای مالی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت را بر اساس این برنامه مشاهده کنیم. این برنامه بخش های مختلفی دارد که می توان آن را در حوزه های مختلف طبقه بندی نمود. در این برنامه حوزه بخش اجتماعی یا بخش کارگری، بیمه شدگان و سایر کسانی که به هر صورت در حوزه های اجتماعی قرار می گیرند و خصوصاً صندوق های بازنشستگی شرایطی را که برای کارگران شاغل و بازنشسته تعریف کرده می تواند از درجه حساست بالایی برخوردار باشد. البته حوزه سلامت هم که مربوط به بهداشت و درمان بیمه شده ها می شود، اهمیت زیادی دارد و احتمالاً آنچه که درخصوص صندوق های بازنشستگی مهم است و به چشم می آید این است که دولت کاملاً بطور محسوس از تعهدات خویش در مقابل این صندوق ها کاسته است؛ به ویژه صندوق سازمان تامین اجتماعی!

قوانین گذشته ناظر بر حضور فعال و موثر دولت درخصوص متعهد شدن به پرداخت سهم بیمه اقسار حقوق بگیر در این صندوق بود. در برنامه هفتم مشاهده می شود که تعهدات و حمایت های دولت به

خطاب به تمامی آنانی که مسبب اوضاع کنونی پیشکسوتان تولید و سازندگی هستند! دولت محترم! آقای وزیر! این جهنم را شما برای ما ساخته اید

فقط ۳۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی از ۸ تا ۱۵ میلیون در ماه دریافت می کنند! می گویند ۷۰ درصد این جماعت ماهی ۷۰ میلیون ریال و کمتری می گیرند و بخشی از آنها ماهیانه فقط یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان!!
سال ۱۴۰۲ زندگی برای بازنشستگان بسان جهنمی است که برای آنان تدارک دیده شده است؟!
شورای عالی کار، پایان سال گذشته وقتی بحث مزد ۱۴۰۲ بود بر اساس گفته ها و قول آقای وزیر تعاون و کار مزدی را تعیین کرد که الان به نسبت تورم و گرانی های کشنده معنا و مفهومی ندارد! به پایان شهریور ۱۴۰۲ نزدیک شده ایم و تورم بالای ۵۰ درصد همه اقسار حقوق بگیر را به نفس تنگی کشنده ای گرفتار کرده!

مسئولان محترمی که وظیفه دفاع از حقوق پیشکسوتان را دارند می گویند و ما نقل قول می کنیم!
گفته اند فقط ۳۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی از ۱۵ تا ۸ میلیون در ماه دریافت می کنند! می گویند ۷۰ درصد این جماعت ماهی ۷۰ میلیون ریال و کمتری می گیرند و بخشی از آنها ماهیانه فقط یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان!!

درسالی که رهبر انقلاب بر مهار تورم و گرانی ها تاکید داشتند؛ هر چه تورم بود بر سفره خالی جماعت حقوق بگیر خاصه بازنشستگان و کارگران نازل شد! مهار تورم کیلویی چند؟! آقای وزیر! این جهنم را شما برای بازنشستگان تدارک دیده اید؟!!

درسالی که رهبر انقلاب بر مهار تورم و گرانی ها تاکید داشتند؛ هر چه تورم بود بر سفره خالی جماعت حقوق بگیر خاصه بازنشستگان و کارگران نازل شد! مهار تورم کیلویی چند؟! دولت محترم! آقای وزیر! این جهنم را شما برای بازنشستگان تدارک دیده اید؟! آقای وزیر! در این چند ماهی که فریاد زدیم و شما همه را به باد انتقاد گرفتید؛ آیا می دانید بر جماعت بازنشسته چه گذشته! جناب آقای "صورت خان مرتضوی" وزیر ارجمند تعاون و کار! این متن دلنوشته ۴٫۵ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی برای شماست! چگونه شد که بعد از ۶ ماه مقاومت سرسختانه پذیرفتید که به تورم و گرانی بازنشستگان و کارگران را به خاک سیاه نشانده و شورای عالی کار برای ترمیم مزد تشکیل جلسه دهد؟! آقای وزیر! بازنشستگان می گویند ما روزی ۱۰۰ بار سرزنش می شویم؛ شما چه آقای مرتضوی؟!!



از زبان ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار بازنشسته تامین اجتماعی و خانواده های شریف و نجیب آنان صحبت می کنیم!
رسانه یعنی این که مشکلات مردم را به گوش مسئولان محترم برساند! ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" هم تلاش دارد در این خصوص نقش آفرینی کند!
ادعا داریم زبان رسای کارگران دیروز و بازنشستگان امروز تامین اجتماعی هستیم اما خیلی وقت ها سکوت می کنیم و مدام می گوئیم مصلحت نیست این مطلب را بگوئیم؛ صلاح نیست به این موضوع اشاره کنیم! الان وقت مناسبی نمی باشد به این موضوع ورود کنیم و...
توجه کنید! این مطلب را از خودمان نمی گوئیم؛ مسئولان محترمی که وظیفه دفاع از حقوق پیشکسوتان را دارند می گویند و ما نقل قول می کنیم! گفته اند

رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی :

۴۰۰ قلم دارو از پوشش بیمه ای خارج شدند!

به مراکز درمانی و داروخانه های طرف قرارداد تامین اجتماعی اعلام نمایند. خبرگزاری فارس هم در گزارشی گفت وگو محور به نقل از چند بازنشسته تامین اجتماعی صحت گفته های آقای اسدی را تایید می نماید. رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی بازنشستگان دوباره به بحث حقوق دریافتی بازنشستگان تامین اجتماعی داشته می گوید: بالغ بر ۶۰ درصد همکارانم در سراسر کشور حداقل حقوق را می گیرند و بازنشستگانی داریم که یک سوم ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان را دریافت می کنند! او به ماده ۹۶ تامین اجتماعی اشارتی نموده می گوید: این ماده قانونی می گوید که تامین اجتماعی مکلف است حداقل سالی یک بار حقوق بازنشستگان را برابر تورم افزایش دهد و این موضوع باید از سوی هیات وزیران تصویب گردد. او می گوید: حقوق سالانه بازنشستگان تامین اجتماعی متاثر از تصمیم آخرسال شورای عالی کار است و ما هم خواستار حضور نماینده ای از سوی جامعه ۴٫۵ میلیون نفری بازنشستگان تامین اجتماعی در این شورا شده ایم تا از حقوقشان دفاع کند.

ماهان بازنشستگان فقط فقط کفاف ۱۰ روز هزینه های سنگین زندگی آنها را می دهد؛ توجه داشته باشیم که ۳۰ درصد بازنشستگان متوسط بگیرند و ۸ تا ۱۵ میلیون دریافتی دارند؛ ۳۰ درصد حقوق بازنشستگان صرف درمان آنها می شود ضمن آن که اکثرشان مستاجرند!!

آقای "اسدی" به موضوع پوشش بیمه ای ۴۰۰ قلم دارو ورود کرده می گوید: در سال جاری این تعداد اقلام دارویی از پوشش بیمه های پایه خارج شده اند؛ داروهای مثل ویتامین و مسکن ها که نیازمیرم بازنشستگان هستند؛ در مقابل این گفته ها یک مقام مسئول در تامین اجتماعی اظهارات رئیس کانون عالی بازنشستگان را تکذیب می کند و "اسدی" در واکنش به این صحبت ها می گوید: اگر آقایان صادق هستند؛ عدم خروج اقلام دارویی از پوشش بیمه ای را در قالب بخشنامه ای رسمی

باید در جهت اجرای صحیح مفاد این قانون و قوانینی همچون تامین اجتماعی تلاش نمایم. "اسدی" می گوید: با مذاکره می شود حقوق کارگران و بازنشستگان را گرفت و اگر احساس کنیم حقی قضیه شده میدان را ترک نخواهیم کرد! سرنوشت ۵ میلیون انسان با خانواده های شریف شان با تصمیمات این کانون تعیین می شود! او با تاکید بر این مطلب که تامین اجتماعی سرمایه کارگران و سازمانی بین النسلی است

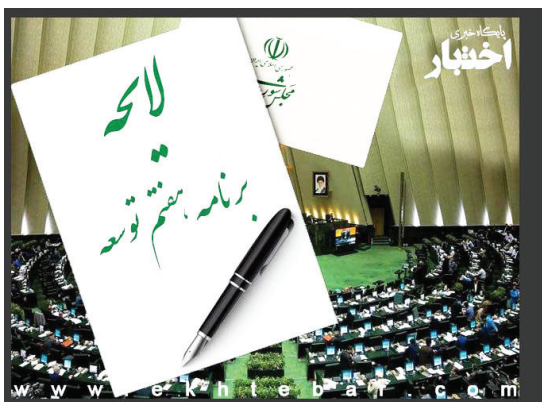
و هیچ کس نباید به این سرمایه دست درازی کند؛ می گوید: هر دستی که بخواهد به اموال تامین اجتماعی تعرض کند، قطعا باید منتظر برخورد و واکنش های تند جامعه بازنشستگان تامین اجتماعی و کارگران شریف ایرانی باشد. رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی با انتقاد از اوضاع معیشتی خانواده بزرگ تحت پوشش این کانون گفت: حقوق



رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی کشوری می گوید: همه تشکل هایی که مسئولیت حفظ و حراست از حقوق بازنشستگان را عهده دار هستند؛ اگر بر مدار قانون حرکت کنند؛ به یک هدف عالی دست خواهند یافت و آن استیفای حقوق بیش از ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار انسانی است که عمری برای شکوفایی اقتصاد کشور تلاش کرده اند و اینک نیازمند همراهی هستند. آقای "محمد اسدی" در گفت وگویی اختصاصی با ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" می گوید: خط قرمز همه تشکل ها و فعالان کارگری و بازنشستگان؛ قانون کار است و همه

حقوق
ماهان بازنشستگان فقط
و فقط کفاف ۱۰ روز هزینه های
سنگین زندگی آنها را می دهد؛ توجه
داشته باشیم که ۳۰ درصد بازنشستگان متوسط
بگیرند و ۸ تا ۱۵ میلیون دریافتی دارند؛ ۳۰
درصد حقوق بازنشستگان صرف درمان
آنها می شود ضمن آن که اکثرشان
مستاجرند!

طرح اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در برابر لایحه هفتم



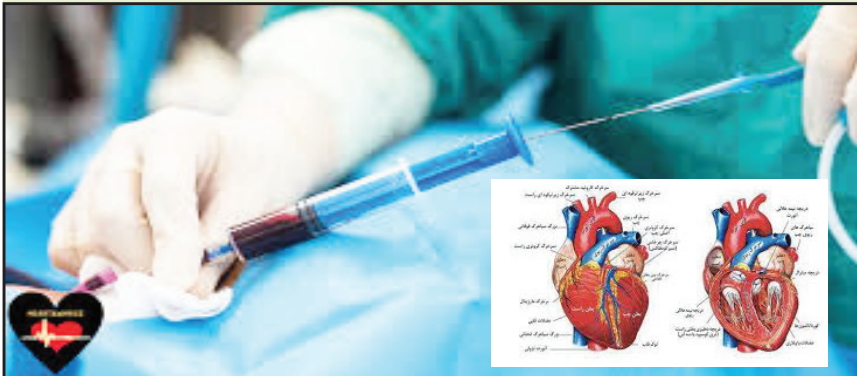
شکل بسیار معنی داری قدرت خرید مستمری بگیر کاهش پیدا می کند و این امر هم دور از انصاف می باشد و هم با عدالت سازگاری ندارد. بحث بعدی که در مورد برنامه هفتم توسعه به آن باید اشاره شود بحث شرایط سنی است و سابقه پرداخت حق بیمه، در این خصوص پیشنهاد شده است که طی برنامه هر سال ۴ ماه به سن سابقه بازنشستگی اضافه شود. عملاً در پایان برنامه شما مواجه خواهید شد که افرادی با شرایط موجود نمی توانند بازنشسته شوند و برای بازنشستگی باید سابقه بیشتری داشته باشند. در مورد بحث بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور هم شرط سنی برقرار شده است (سن ۳۵ سال برای خانمها و ۵۰ سال برای آقایان) و گروه های الف و ب را مجدداً بازنگیری کرده اند، گروه ب که ذاتاً سخت و زیان آور است همچنان آن شرایط را برایش پیش بینی کرده اند به ازای هر سال کار در شغل سخت و زیان آور ۱/۵ سال سابقه بیمه محاسبه می شود. ولی برای گروه الف طبقه بندی جدید ایجاد کرده اند، برخی گروهها ۲ سال و برخی گروهها ۳ سال و حداکثر تا ۷ سال اینها می توانند از مزایای سنوات ارفاقی استفاده بکنند. این نشان دهنده این است که شرایط ورود به بازنشستگی در حوزه مشاغل سخت و زیان آور هم متفاوت از قبل شده است. آنچه که مشخص است این است که شرایط بازنشستگی با عقب نشینی دولت از تعهدات خودش و ایجاد بار مالی جدید از طریق حق بیمه های جدید ایجاد شده، سخت تر شده است. و عنوان آن را هم گذاشته اند کاهش ناترازی صندوق های بیمه ای. یک سری از حمایت های دیگری را هم که دولت انجام می داد از انجام آن سربازده است، و اعلام نموده است که من این حمایت ها را از طرق دیگری مثلاً صندوق های بورسی انجام خواهم داد. در مورد کارگاههای زیر ۱۰ نفر که دولت از نظر پرداخت حق بیمه از آنها حمایت می کرد دولت میزان تعهداتش را در این خصوص کم کرده است. در واقع در برنامه هفتم توسعه دولت به شکل معنی داری تعهداتش را در مقابل صندوقهای بیمه ای کاهش داده است.

به سازمان تامین اجتماعی به غیر از ۱۲ الی ۳ سال آخر که در بودجه آورده شده است دولت بابت پدیده به سازمان ارقام قابل توجهی پرداخت نکرده است، و پرداخت های سالانه اش که بابت بدهی های سازمان پرداخت کرده، نسبت به تعهدات جاریش بسیار، بسیار اندک و کمتر از آن چیزی بوده، که دولت تعهد به پرداخت آن را داشته است. اثر تجمیع این بدهی ها طی سالهای ۱۹۱ الی ۱۴۰۲ خیلی بیشتر از آن چیزی بوده که در آن مقطع احراز شده است، حالا فرض کنید که دولت همان ۳۵ میلیارد دلار را به ما بدهکار است، به نرخ برابر ی دلار به ریال با دلاری که توسط بانکها عرضه می گردد که ۴۰ هزار تومان است ارزش دارایی های سازمان بالای ۱۴۵۰۰۰۰۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده اگر فقط فقط بحث دلار مطرح باشد، بحث های دیگری مطرح است که این عدد ممکن است خیلی بیشتر از اینها بشود، این یک نرخ بدون ریسک بوده که محاسبه شده است (تبدیل ریال به دلار) در حالیکه بدهی که تا پایان ۴۰۱ احصاء شده و اگر دولت آن را قبول کند حدود ۵۹۰ هزار میلیارد تومان است. به عبارتی دیگر کمتر از ۱/۳ دارایی اصلی خودمان را با محاسبه فقط زمانی ۹۱ می توانیم از دولت مطالبه بکنیم یعنی به سبب تورم ۲/۳ از دارایی های خودمان را از دست داده ایم. دلیلش هم کاهش ارزش پول ملی یا افزایش قیمت دلار بوده که هر دو تایش یک معنی دارد. در برنامه هفتم پیشنهاد شده است نرخ محاسبه بدهی های دولت بصورت ساده باشد در حالیکه بر اساس بند یک ماده ۷ قانون، مصوب سال ۸۳ ساختار بدهی های دولت باید بروز رسانی شود. و منبنا هم باید بر اساس نرخ اوراق مشارکت باشد. یعنی اگر بدهی دولت در سال اول بر اساس نرخ اوراق مشارکت ۱۸٪ یا هر عدد دیگری باشد آن عدد حاصل شده باید در سال بعد بر اساس نرخ سود اوراق مشارکت بروز رسانی و مورد محاسبه قرار گیرد. دولت معتقد است که باید این محاسبه با نرخ ساده صورت بگیرد، و اصل بدهی باید پرداخت شود و مجموع بدهی بروز رسانی نشود. این شیوه بروز رسانی باعث می شود، که میزان بدهی او بشدت کاهش پیدا کند، در صورتیکه این شیوه محاسبه اصلاً درست نیست و حتی اشکال شرعی بر آن وارد است دلیلش هم محاسبه نرخ مهریه زوج بر اساس ارزش روز میزان مهریه می باشد و یا چک مدت دار که پس از برگشت چک قوه قضائیه مبلغ بدهی را بر اساس نرخ مرکب محاسبه می کند. این دو حکم نشان دهنده این است که پول باید ارزش زمانی خودش را حفظ کند. بحث دیگری که در خصوص برنامه هفتم مطرح است، بحث مبنای محاسبه مستمری هست، البته این همان اول در کمیسیون برنامه و بودجه حذف شد ولی این پیشنهاد دولت است می تواند، به شکلی قابلیت اجرایی داشته باشد. و این امر به طور معنی داری میزان برقراری مستمری را بر اساس ۲ سال آخر کاهش می دهد. خطر دیگری که وجود دارد این است که اگر کسی تعلیق بیمه داشته باشد (سالها وقفه بیمه ای داشته باشد) و نتواند در سالهای آخر حق بیمه پرداخت کند، ولی وقتی که واجد شرایط بازنشستگی شود، از لحاظ محاسبه این شیوه مستمری به

ادامه صحبت های آقای حیدری از صفحه ۳

برنامه مامشخص و مسیر قانون گذاری کاملاً معلوم است؛ باید با نمایندگان مجلس وارد مذاکره شویم و آثار مخرب و ناخوشایندی را که ممکن است برنامه هفتم بر منابع مالی سازمان تامین اجتماعی در آینده به جایگذارد مثل فروش دارایی ها، در حدامکان با مذاکره با نمایندگان حل کنیم. ناترازی ها عمدتاً از ناحیه عدم پایبندی دولت به تعهداتش می باشد. اگر اجرای تعهدات دولت بطور جدی در بودجه سالانه گنجانده نشود بیم آن می رود که سازمان تامین اجتماعی برای عمل به تعهداتش در حوزه درمان و مستمری و جبران کسر بودجه و ناترازی خود از ابزارهای غیر متعارف مالی مثل فروش دارایی ها، استفاده کند. کما اینکه سال گذشته این کار را انجام داده است. این ناترازی در نرخ سود پرداختی به سیستم بانکی، اوراق منتشر شده ای که توسط سازمان تامین اجتماعی منتشر شده است کاملاً خودش را نشان می دهد. بعضاً برخی از دارایی های با ارزش سازمان به دلیل نیاز مالی واگذار شده است. که عمل درستی نمی باشد، گرچه اسمش تهازباً بانک رفاه است ولی واقعیت این است که ما این دارایی ها را به بانک رفاه فروختیم و این می تواند یک پیش آگهی مخربی را داشته باشد. اگر دولت به تعهداتش عمل نکند شدت فروش دارایی های سازمان می تواند افزایش پیدا بکند و این آثار بسیار مخرب و غیر قابل جبرانی بر منابع سازمان تامین اجتماعی بجای می گذارد، و ذخائری را که مربوط به نسلهای آینده است مورد تهدید قرار می دهد. یادمان باشد که سازمان تامین اجتماعی یک صندوق بین النسلی است و اگر این اتفاق بیفتد در واقع ما داریم منابع نسل های آینده را مصرف می کنیم ما قانوناً و شرعاً و منطقاً حق نداریم از آن بی بهره شویم. آنچه مسلم است این است که باید جلوی این اتفاق مخرب و ناخوشایست گرفته شود. مسیرش هم این است که از طرق مختلف مثل مذاکره، مکاتبه، جلسه با نمایندگان مجلس و اقناع آنها، وضعیت موجود را به آنها گوشزد نماییم. مورد دیگری که در برنامه هفتم توسعه وجود دارد بحث محاسبه بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی می باشد. امواج سهمگین تورمی با اعداد درشت بر اقتصاد ما چیره شده است، متأسفانه اعداد ۳۰/۴۰/۴۵ و ۴۵ درصد کشور ماباب شده و شور و خیزتانه نه سیاستگذاران و نه مجری و نه دولت و مجلس توجهی به این رقم های درشت و کمر شکن که حاصلش فقر جامعه است نمی کنند. این تورم های بالا باعث کاهش ارزش پول ملی شده و موجب می شود که ذخائر ما نزد دولت مانند یخی شروع به آب شدن بکند و روز به روز کوچکتر شود و قدرت آن نیز کاهش پیدا بکند در سال ۹۰ و ۹۱ وقتی که بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی مورد محاسبه قرار گرفت، حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان برآورد شد در آن تاریخ دلار ۳۲۰۰۰ ریال ارزش داشت، به عبارتی دیگر چیزی نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار طلب سازمان تامین اجتماعی از دولت بود از سال ۹۱ تاکنون که حدود ۱۱ سال سپری شده است در این مدت پرداختی های دولت

آنژیوپلاستی کرونری چیست؟



۳-ساز طریق مشاهده در یک صفحه خاص اشعه ایکس، پزشک می تواند کاتتر داخل سرخرگ جابجانی سیم یک سیم بسیار نازک به داخل محل انسداد رانده می شود. در روی این سیم یک کاتتر با یک بادکنک نازک و قابل اتساع در انتها به داخل محل انسداد رانده می شود.

۴-بادکنک (بالون) متسع می شود و پلاک را به کناره ای رانده و سرخرگ را تحت فشار قرار می دهد تا باز شود و خون به شکل آسانتری جریان پیدا کند این عمل را بیش از یک بار می توان انجام داد.

۵-در برخی از افراد یک لوله سیمی تحت عنوان استنت که به شکل محکم روی یک بادکنک خاص قرار دارد به داخل محل دچار انسداد رانده می شود.

۶-با متسع کردن بادکنک، استنت در مقابل دیواره های سرخرگ بازمی شود. استنت در محل خود قفل می شود و به باز بودن سرخرگ کمک میکند.

۷-بالون و کاتترها بیرون آورده می شوند اکنون سرخرگ باز بوده و قلب شما خون مورد نیاز را دریافت می کند. آیا آنژیوپلاستی با درد همراه است:

خیر آنژیوپلاستی سبب درد بسیار کم می شود پزشک محلی را که کاتتر وارد می شود بی حس می کند ممکن است هنگامیکه کاتتر وارد می شود شما اندکی احساس فشار بکنید.

شما بیدار و هوشیار هستید اما ممکن است جهت آرامش بیشتر به شما دارو داده شود. ممکن است آنژیوپلاستی از ۳۰ دقیقه تا چندین ساعت بسته به نوع انسداد تعداد انسدادها به طول انجامد.

ممکن است محل وارد شدن کاتتر زخمی شود و کبودشدگی نیز شایع است. اگر متوجه خونریزی یا افزایش درد یا تورم بشوید به پزشک خود اطلاع دهید. پس از آنژیوپلاستی چه اتفاقی می افتد؟

ممکن است سرخرگ های شما متعاقب رسوب کلسترول، سلول ها و سایر مواد دچار گرفتگی شوند. این امر سبب کاهش جریان خون به قلب شده و در نتیجه احساس ناراحتی در قفسه سینه رخ می دهد گاهی ممکن است یک لخته خون به شکل ناگهانی ایجاد شده و یا بدتر گردیده و به طور کامل جریان خون را قطع نماید. که این امر منجر به حمله قلبی می شود.

آنژیوپلاستی سبب باز شدن سرخرگ های دچار انسداد شده و جریان خون را به عضلات قلب برمی گرداند.

آنژیوپلاستی یک روش مداخله کرونری از طریق پوست است که از طریق یک سوراخ کوچک در سرخرگ پا یا دست صورت گرفته و از طریق باد کردن یک بادکنک کوچک موجود در سرکاتتر، سرخرگ قلبی دچار انسداد را بازمی سازد.

چرا افراد نیاز به آنژیوپلاستی پیدا می کنند: ممکن است افراد دچار انسداد در سرخرگ های قلبی، احساس ناراحتی زیادی در قفسه سینه بکنند یا انسداد سرخرگ های قلبی، آنها را در معرض خطر حمله قلبی یا مرگ قرار بدهد. نیاز به آنژیوپلاستی پیدا کنند سالانه افراد بسیار بیشتری تحت آنژیوگرافی کرونری قرار می گیرند.

چگونه آنژیوپلاستی انجام می شود؟

۱-پزشک ناحیه ای کوچک در کتف یا ران یا مچ دست را بی حس کرده و یک لوله کوچک را به داخل سرخرگ می راند. این امر دردی بیش از گرفتن خون برای یک آزمایش خون ندارد.

۲-یک لوله نازک پلاستیکی (کاتتر) به داخل سیستم سرخرگی رانده می شود تا به سیستم سرخرگ کرونری (قلبی) برسد.

در ۲-۱ روز اول پس از عمل خودداری کنید تا سوراخ موجود در دست یا پای شما بهبود یابد.
- در مورد عوامل خطر زای قلبی عروقی خودتان که باید آنها را اصلاح کنید آموزشهای لازم را ببینید.

چگونه می توانیم بیشتر یاد بگیریم؟

- با پزشک، پرستار یا مشاور سلامتی خود مشورت کنید. اگر مبتلا به بیماری قلبی می باشید یا قبلا دچار سکتة مغزی شده اید، ممکن است اعضای خانواده شما در معرض خطر ابتلا باشند، ایجاد تغییرات در شیوه زندگی آنها جهت کاهش میزان خطر بسیار مهم است.

- شما می توانید از کتابچه یا بروشورهای علمی جهت انتخاب زندگی سالم تر و کاهش میزان خطر، کنترل بیماری و مراقبت از افراد مورد علاقه تان استفاده کنید. دانایی توانایی است، بنا بر این بیشتر بیاموزید و بیشتر و بهتر زندگی کنید.

- دقایقی را برای یادداشت سوالات خود در ملاقات بعدی خود با پزشک اختصاص دهید.

- زمانی که کاتتر از دست پایای شما خارج می شود، یک پرستار یا پزشک معمولا فشار مستقیمی را به مدت ۱۵ دقیقه یا بیشتر بر روی محل وارد شدن کاتتر جهت اطمینان از عدم خونریزی داخلی وارد می کند.

- اگر آنژیوپلاستی از طریق پا صورت گرفت، شما برای چند ساعت به آرامی به پشت می خوابید و پزشک یا پرستار شما را از لحاظ علائم خونریزی یا درد قفسه سینه بررسی میکند اگر آنژیوپلاستی از طریق دست صورت گیرد شما نیاز به خوابیدن در بیمارستان تقریبا باید یک شب را جهت استراحت در بیمارستان سپری کنید گاهی اقامت بیشتر هم مورد نیاز است. نکته ضروری و مهم:

- خطر اندکی برای ایجاد لخته در داخل استنت و در نتیجه انسداد جریان خون وجود دارد. پزشک شما جهت پیشگیری از این امر برای شما آسپیرین، کلوپیدوگرل (پلاویکس، اسویکس و...) یا سایر داروها را تجویز خواهد کرد مصرف این داروها تا زمان توصیه شده توسط پزشک ضروری است. - از برداشتن وزنه سنگین یا فعالیت جسمانی شدید

فواید فراوان نوشیدن آب گرم با معده خالی

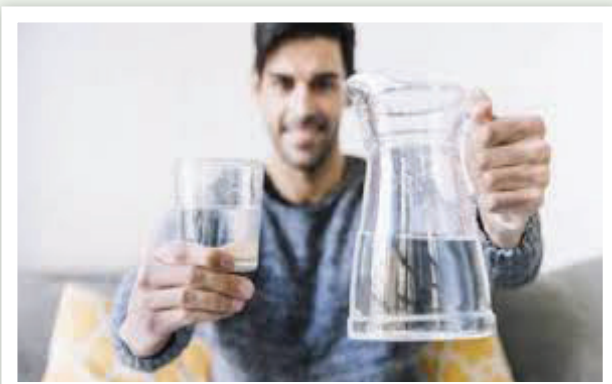
لیوان برسد
- نتایج درمان با آب برای امراض زیر در مدت معین زیر ثابت شده
مرض قند ۳۰ روز / فشار خون ۳۰ روز / مشکلات معده ۱۰ روز / انواع سرطان ۹ ماه / سل و التهاب شرایین ۶ ماه کم غذایی ۱۰ روز / مشکلات مجاری ادرار ۱۰ روز / مشکلات بینی و گوش و حنجره ۲۰ روز / مشکلات قلب و انواع آن ۳۰ روز / سردرد شدید ۳ روز / کم خونی ۳۰ روز / چربی ۴ ماه / صرع و فلج ۹ ماه / مشکلات دستگاه تنفسی ۴ ماه

مربوط می شود:
طریقه درمان با آبی که بجوش آمده:
• هر روز صبح زود از خواب بیدار شدید یک لیوان آب گرم با معده خالی بخورید
• آب باید گرم باشد ولی نه آنقدر که زبان را بسوزاند ولی از ولرم گرمتر باشد
• تا ۴۵ دقیقه بعد هیچگونه غذایی نخورید.
• پس از هر وعده غذا تا ۲ ساعت آب نخورید
• بعضی از افراد در اوایل برای نوشیدن یک لیوان در یک وقت مشکل دارند می توانند کمتر آب بنوشند و به تدریج به ۲

بورتان نمی شود اتحاد بیماریهای ژاپنی آخرین تجربه درمان با آب گرم که نتایج صد درصد برای بیماریهای زیر را دارد منتشر کرد
سردرد شدید / فشار خون / کم خونی / درد مفاصل / فلج / ضربان شدید یا تند قلب / صرع / چربی / سرفه / التهاب قلب / آسم / سل، التهاب شرایین و هر مرضی که به مجاری ادرار مربوط می شود:
زیادی ترشح اسید و التهاب معده / کم اشتها
و هر مرضی که به چشم و گوش و حنجره



خای کاش بتوانم این مطالب را به دست همه ی انسانها برسانم x
متخصصین قلب بر این باورند:
کسی که این متن بدستش میرسد به دست کسانی که می شناسند برساند، پس باعث نجات زندگی او شده است. x
درمان با آب گرم (در حدی که دهان را نسوزاند)
کسی که این متن بدستش میرسد به دست



"آب یخ"

"ابو علی سینا":

- اگر آب یخ شما را در جوانی بیمار نکند در میانسالی شما را سخت بیمار خواهد کرد
- آب یخ باعث چسبیدن چربی دور عروق قلب شده و عامل انسداد ۴ رگ اصلی قلب و سکتة یا ایست قلبی می شود شاید شنیده باشید افراد جوانی که ایست قلبی می کنند و از دنیا میروند "علت اصلی این اتفاق بد نوشیدن آب یخه"
- آب یخ اولین و بزرگترین علت سیروز کبد و نابودی کبد محسوب می شود
- چون آب یخ باعث چسبیدن چربی دور جداره کبد می شود، بالای ۹۰ درصد کسانی که در انتظار پیوند کبد هستند، قبلش به نوشیدن آب خیلی خنک عادت داشتند
- در کل نوشیدن آب یخ باعث از کار افتادن لوزالمعده و بیماری دیابت می شود

"لذت" یا "خوشبختی"؟! "



۱. لذت گذرا و خوشبختی بلندمدت است.
۲. لذت مادی ولی خوشبختی معنوی است.
۳. لذت گرفتنی. خوشبختی بخشیدنی است.
۴. لذت بسا مادیات به دست می آید؛ خوشبختی با مادیات به دست نمی آید.
۵. لذت در تنهایی بدست می آید، خوشبختی در گروه های اجتماعی.
۶. لذت افراطی منجر به اعتیاد می شود در حالی که چیزی به عنوان اعتیاد به خوشبختی وجود ندارد.
۷. لذت بر پایه دوپامین است و خوشبختی بر پایه سروتونین!

یکیشون چند صد یا چند هزار درصد رشد میکنند و انسان وسوسه می شود که برای تحقق خوشبختی در این صنعت سرمایه گذاری کند، واشنگتن دی سی (مراکز سیاسی و قدرت و لابی های اقتصادی)، همه و همه به روشی خاص و هماهنگ اصطلاح خوشبختی و لذت را بجای هم بکار می برند و در هم می آمیزند تا ما بتوانیم خوشبختی را بخریم! - بنابراین آنها می توانند آشغال هایشان را به ما بفروشند! و اقتصاد آمریکا (و عموماً اقتصادها) بر همین اساس است؛ یعنی بر اساس مواد عشرت طلبانه این کار انجام می شود. موادی که بر اساس لذت پیش می روند نه خوشبختی! و در این روند ما قطعاً نارضی تر شده ایم و مسئله اینجاست که تا ندانیم مشکل از کجاست، نمی توانیم آنرا برطرف کنیم...

منبع:
دکتر رابرت لاستیگ
امیرعباس زینت بخش

این دو بیوشیمی (دوپامین و سروتونین) دو ناقل عصبی هستند. این دو ماده را مغز تولید می کند و سلول های عصبی از طریق این دو با یکدیگر در ارتباط هستند. دوپامین منجر به تحریک نورون بعدی شده و تحریک مکرر نورون ها منجر به مرگ آنها می شود. بنابراین نورون ها یک مکانیسم دفاعی ایجاد می کنند که باعث کاهش تعداد گیرنده ها شده (سرکوب محرک) تا آسیب را کاهش دهند.

- به عنوان مثال، هرچه بیشتر مواد استفاده کنید، میزان تحریک بیشتر و تعداد گیرنده ها کمتر می شود. بنابراین دفعه بعدی برای اینکه به میزان تحریک قبلی دست یابید، مواد بیشتر و بیشتر و بیشتری استفاده می کنید... تا اینکه در ازای مصرف یک عالمه محرک، هیچ چیزی دستگیرتان نمی شود! به این وضعیت ترانس می گویند و اعتیاد وقتی است که نورون ها شروع به مردن می کنند!...
- اما در مقابل؛ سروتونین بازدارنده است

تغییر می دهد، اما با شرایط نمی جنگد. - به تندرستی جسمی و سلامتی روحی و روانی خود اهمیت میدهد. ورزش می کند، تفریح می کند و به واقع زندگی می کند. نوع لباس پوشیدنش، روش گفتاری اش، منش کرداری اش و حتی نوع نگاه و چهره اش به گونه ای است که مورد پذیرش اجتماع است و در همه ایام متعادل است. - اجازه می دهد دیگران حرف خود را تمام کنند. یاد گرفته است بیشتر سکوت کند تا حرف بزند، بیشتر بشنود تا بگوید. - کتاب می خواند، "انسان توسعه یافته" کتاب می خواند، "انسان توسعه یافته" کتاب می خواند.

انسان توسعه یافته کیست؟



برای کل جامعه و آینده آن تلاش می کند و نه صرفاً برای باند، گروه، همفکران و یا اقوام خود. - مرعوب مقامات اداری و حکومتی نیست. می داند که این مقامات تنها در سازمان مطبوع خود صاحب مقام هستند و در عرصه اجتماع همگی خدمتگزار شهروندان هستند. - با حیوانات مهربان است و به محیط زیست خود اهمیت می دهد. - بخش مهمی از زندگی خود را برای به جای گذاشتن میراثی ارزشمند برای جامعه، طراحی می کند، مسئولیت کاری

تغییر می دهد، اما با شرایط نمی جنگد. - به تندرستی جسمی و سلامتی روحی و روانی خود اهمیت میدهد. ورزش می کند، تفریح می کند و به واقع زندگی می کند. نوع لباس پوشیدنش، روش گفتاری اش، منش کرداری اش و حتی نوع نگاه و چهره اش به گونه ای است که مورد پذیرش اجتماع است و در همه ایام متعادل است. - اجازه می دهد دیگران حرف خود را تمام کنند. یاد گرفته است بیشتر سکوت کند تا حرف بزند، بیشتر بشنود تا بگوید. - کتاب می خواند، "انسان توسعه یافته" کتاب می خواند، "انسان توسعه یافته" کتاب می خواند.

انسانی است که به حقوق و تکالیف مدنی خود آگاه است. به وظایف خود عمل می کند و حقوق خود را مطالبه می نماید. - اعتماد بنفس منطقی دارد. به توانایی های انسانی اش باور دارد، خودش را محیط بر مسائل زندگی اش می داند و می فهمد که انسان موجودی خلاق و مبتکر و توانمند است. - مهربان و آرام است. خوب گوش می کند. خوب فکر می کند. با عجله سخن نمی گوید و وقتی با او برخورد می کنی، امواج آرام بخش و مهربانی، سراسر وجودتان را پر می کند. - از نیاز به نمایش، عبور کرده است، در سخن گفتن اظهار فضل نمی کند و از چاپلوسی دیگران مشمئز می شود.

تغییر می دهد، اما با شرایط نمی جنگد. - به تندرستی جسمی و سلامتی روحی و روانی خود اهمیت میدهد. ورزش می کند، تفریح می کند و به واقع زندگی می کند. نوع لباس پوشیدنش، روش گفتاری اش، منش کرداری اش و حتی نوع نگاه و چهره اش به گونه ای است که مورد پذیرش اجتماع است و در همه ایام متعادل است. - اجازه می دهد دیگران حرف خود را تمام کنند. یاد گرفته است بیشتر سکوت کند تا حرف بزند، بیشتر بشنود تا بگوید. - کتاب می خواند، "انسان توسعه یافته" کتاب می خواند، "انسان توسعه یافته" کتاب می خواند.

چه چیزی باعث رضایت از زندگی می شود؟

فراموش می کنیم. بعلاوه حافظه هم گاهی کاملاً خلاقانه عمل می کند!
● اما اگر بتوانیم کل زندگی ها را - آنطور که در طول زمان اتفاق می افتد - ببینیم چه می شود اگر بتوانیم تمام مسیری که مردم از زمان نوجوانی تا سن پیری طی کرده اند را مطالعه کنیم تا ببینیم چه چیزی واقعاً مردم را شاد می کند؟
● ما این کار را کردیم. پژوهش دانشگاه هاروارد در حوزه دوره رشد بزرگسالی، شاید طولانی ترین پژوهش درباره زندگی بزرگسالی باشد که تاکنون انجام شده است. ما ۷۵ سال، زندگی ۷۲۴ مرد را هر سال زیر نظر گرفتیم و از آنها درباره کارشان، زندگی شان در خانه و سلامتی شان می پرسیدیم و البته که در تمام این مسیر نمی دانستیم داستان زندگی آنان چگونه خواهد رسید.
● پژوهش هایی مانند این بسیار نادر است. چنین پژوهش هایی اغلب در طول یک دهه از بین رفته است چرا که تعداد زیادی از آدمها از جریان پژوهش خارج شده اند یا بودجه ی پروژه قطع شده یا پژوهشگران جدا شده یا مرده اند و هیچ کس نمی تواند کار آنان را پیگیری نکرده است. اما با ترکیبی از شناس و مقاومت و اصرار چند نسل از پژوهشگران، این پژوهش به سرانجام رسیده است.
● حدود ۶۰ نفر از ۷۲۴ مرد اصلی شرکت کننده در این پژوهش هنوز زنده اند و با اینکه بیشترشان بالای ۹۰ سال سن دارند، همچنان در این پروژه حضور دارند. حالا ما مطالعه روی بیش از ۲۰۰۰ نفر از بچه های این مردان را آغاز کرده ایم و من چهارمین مدیر این پژوهش هستم!
● ما از سال ۱۹۳۸ زندگی دو گروه از آدمها را زیر نظر گرفته ایم: کار گروه اول

در این پژوهش زمانی آغاز شد که آنها دانشجوی سال دوم دانشگاه هاروارد بودند و در طول جنگ جهانی دوم، دانشگاه را تمام کردند. تعداد زیادی از آنان برای خدمت به جنگ رفتند. دسته ی دومی که ما زیر نظر گرفتیم، گروهی از پسران از فقیرترین محله های بوستون بود؛ پسرانی که مخصوصاً به دلیل تعلق داشتن به خانواده های مشکل دار و محروم دهه ی ۱۹۳۰ بوستون، برای این پژوهش انتخاب شدند. بیشتر آنان مستأجر اتاق هایی بودند که حتی آب گرم و سرد نداشت.
● زمانی که آنان وارد روند پژوهش شدند، با همه شان مصاحبه شد و آزمایش های پزشکی دادند و ما به خانه هایشان رفتیم و با والدینشان هم مصاحبه کردیم. سپس این نوجوانان به بزرگسالی رسیدند و به عرصه های مختلف زندگی قدم گذاشتند. آنها کارگر کارخانه، وکیل، بنا یا پزشک شدند. یک نفر از آنان رئیس جمهوری ایالات متحده شد و عده ای دیگر الکلی و بعضی ها به شیروفرنی مبتلا شدند. عده ای پله های ترقی را طی کردند و بالا رفتند و عده ای راه را معکوس طی کردند.
● بنیانگذاران این پژوهش هرگز در عمیق ترین رویایشان هم تصور نمی کردند که ۷۵ سال بعد، من، اینجا، بایستم و به شما بگویم این مطالعه همچنان ادامه دارد! هر دو سال یکبار پژوهشگران این پروژه افراد مورد مطالعه را فرا می خوانند و از آنان می پرسند که آیا مایلند به دسته ی جدیدی از سؤالات ما درباره زندگی شان جواب بدهند؟ خیلی از آنها که در شهر بوستون زندگی می کردند می پرسیدند «چرا باز هم می خواهید روی من مطالعه کنید؟ زندگی من آنقدر جذاب نیست».

گردآوری توسط سردبیر

نشر: گاهنامه مدیر

رابرت ولدینگر، روانشناس، پژوهشگر و استاد دانشگاه هاروارد است. او بخاطر مدیریت پژوهش گسترده ای که در این دانشگاه درباره رشد انسان در دوران بزرگسالی در حال انجام است، شناخته می شود؛ پژوهشی که تا امروز بیشتر از ۷۵ سال از آغاز آن می گذرد و همچنان ادامه خواهد داشت. در این مطلب آقای ولدینگر آخرین یافته های این تحقیق طولانی درباره عوامل شادی، سلامتی روحی و جسمی و رضایت مندی از زندگی را مرور می کند که دست بر قضا هیچ کدام ربطی به ثروت و شهرت ندارند.
● در طول مدتی که زندگی می کنیم چه چیزی ما را سالم و شاد نگه می دارد؟ اگر الان قرار بود برای آینده تان به بهترین نحو ممکن سرمایه گذاری کنید، زمان و انرژی خود را کجا صرف می کردید؟ در ابتدای هزاره ی جدید، یک نظر سنجی از نسل جوان انجام شد و از آنها پرسیدند مهم ترین اهداف زندگی شان چیست؟ بیش از ۸۰ درصد گفتند هدف اصلی آنها در زندگی پولدار شدن است. ۵۰ درصد از همین جوانان هدف اصلی دیگرشان را مشهور شدن عنوان کردند.
● همواره به ما گفته اند که زیاد کار کنید و بیشتر جمع کنید! این احساس را به ما داده اند که برای داشتن یک زندگی خوب لازم است دنبال این چیزها برویم. تصویر ما درباره ی همه ی زندگی ها، انتخاب هایی که آدمها می کنند و چگونگی مفید واقع شدن آن تصمیم ها برای آنها، نشان می دهد که رسیدن به آن تصویرها تقریباً غیر ممکن است.
● بیشتر چیزهایی که ما از زندگی بشر می دانیم، از این طریق به دست آمده که از مردم خواستیم گذشته را بخاطر بیاورند و همانطور که می دانیم، ادراک صددرصدی نیست و خیلی وقت ها بخش وسیعی از چیزهایی که در زندگی برایمان اتفاق افتاده را

فراخوان "حسن صادقی" برای حضور پرشور کارگران و بازنشستگان در انتخابات اسفند ۱۴۰۲

مجلس؛ جایگاه احقاق حقوق کارگران است

شان کارگران نیست که نماینده ای در خانه ملت نداشته باشند!

قانون در سال ۱۴۰۲ بود. این عدم رسیدگی به خلاف دولت ناشی از این استدلال در مجلس بود که گفتند «در بودجه افزایش حقوق را ۲۰ درصد تعیین کردیم و اگر بیشتر ببندیم باعث کسری بودجه و تورم می‌شود»؛ درحالی که تورم به ۵۰ درصد رسید و فاصله

۳۰ درصدی بین افزایش مزد و تورم به وجود آمد. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری اضافه کرد: کارگران نباید در انتخابات پشت دست سایر طبقات جامعه بازی کنند و نگاهشان به تصمیمات بالایی‌ها باشد. ما نباید نگاه کنیم ببینیم ثروتمندان بالای شهر به پای صندوق می‌روند یا نه! زیرا مجلس ضعیف ثروت آن فرد سرمایه‌دار را بیشتر خواهد کرد و فقر را افزایش می‌دهد. آن ۴ درصدی که آقای قالیباف می‌گفت به نفعشان است که در مجلس حضور نیابند چون نیازی ندارند، اما ما جامعه کارگری به یک مجلس شایسته نیاز داریم. لذا این حضور ناگزیر است تا بتواند زندگی حداقلی را برای خانواده حفظ کرد. تشکل‌های کارگری باید روی این مسئله متمرکز شوند و بگویند اگر نتوانستیم از حقوق کارگران دفاع کنیم، علتش همان مجلس است که دست فعال کارگری را بسته است. اگر یک فراکسیون قوی داشته باشیم آن تشکل‌ها نیز بهتر عمل خواهند کرد.

وی درباره توانایی‌های دبیرکل خانه کارگر گفت: علیرضا محبوب توانست از آقای مصری راست تا آقای پزشکیان چپ تا آقای قاضی‌پور مستقل را حول مسئله قدرت خرید کارگران در فراکسیون حول خود جمع کند. نمایندگان حول مسائل کارگری و تامین اجتماعی به مرجعی مثل آقای محبوب رجوع می‌کردند؛ ولی امروز این مرجع در مجلس از نظر فکری وجود ندارد. ما تشکل‌های کارگری و کارگران باید یکبار هم که شده پیشگام در عرصه انتخابات باشیم وگرنه باید بازهم منتظر فقر بیشتر جامعه کارگری باشیم.

ما در مجلس یک آقای محبوب داشتیم که فراکسیون ۸۸ نفری کارگری تاسیس کرد. این چهار سال که علیرضا محبوب نبود، ما دقیقا خلاء را در مجلس حس کردیم و احساس بی‌پناهی و مظلومیت کردیم. یک نفر انسان دارای فکر مثل ایشان و مورد وثوق جمعیت‌های سیاسی درون مجلس و تشکل‌ها می‌تواند منشاء وفاق بر سر حقوق کارگران و بازنشستگان باشد.

وی درباره شخصیت‌های مورد حمایت جامعه کارگری در مجلس نیز گفت: ما در مجلس یک آقای محبوب داشتیم که فراکسیون ۸۸ نفری کارگری تاسیس کرد. این چهار سال که علیرضا محبوب نبود، ما دقیقا خلاء را در مجلس حس کردیم و احساس بی‌پناهی و مظلومیت کردیم. یک نفر انسان دارای فکر مثل ایشان و مورد وثوق جمعیت‌های سیاسی درون مجلس و تشکل‌ها می‌تواند منشاء وفاق بر سر حقوق کارگران و بازنشستگان باشد. فردی که همه

درباره سلامت ایشان شهادت بدهند، می‌تواند حلقه اتصال گروه‌های مختلف در فراکسیون کارگری باشد. خلاء قدرت جامعه کارگری در مجلس کاملاً ملموس است

و جامعه کارگری به همین خاطر نباید تماشاچی این باشد که توده‌های مردم به سمت صندوق می‌روند یا نه و باید خودشان راسا در این جهت حرکت کنند.

صادقی ادامه داد: برای ما جامعه کارگری که حقوق بگیر هستیم و معاش ما با این حقوق ثابت است، حضورمان در مجلس برای جلوگیری از تصمیماتی مثل بودجه ۱۴۰۲ و نوع بستن حقوق کارکنان دولت از اوجب واجبات است. ما باید برای حقوق‌مان در انتخابات مجلس بیاییم و اگر در مجلس فرد قوی داشتیم نمی‌گذاشتیم با تورم ۲۷ درصدی افزایش حقوق ۲۰ درصدی داشته باشیم. حاصل آن عدم پیگیری کمیسیون اصل ۹۰ مجلس درباره مزد خلاف

حوزه سیاسی پشت سر تشکل کارگری بیاید. وقتی کارگر می‌گوید من با حقوق افزایش یافته ۲۷ درصد نمی‌توانم زندگی کنم، ما نتوانستیم برای این کارگر در مجلس کاری بکنیم.

این فعال کارگری با اشاره به برخی ناملامت‌ها که عده‌ای را نسبت به صندوق‌ها دلسرد کرده است، توصیه کرد: اما من به عنوان یک فعال کارگری و انسانی که اندکی تجربه دارد توصیه می‌کنم که جامعه کارگری سرمنشاء اتفاقی که امسال درباره دستمزد رخ داد را ابتدا در همین

مجلس ببیند. در دولت آقای احمدی نژاد و ذیل مجلس آقای حداد عادل، نمایندگان باعث شدند که دستمزد هشت تا ده سال فریز شود و تا زمان حضور آقای

شریعتمداری و سالاری در وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی، بحث متناسب‌سازی مطرح نشود. مجلس بود که حقوق کارکنان دولت را تنها ۲۰ درصد پذیرفت، در واقع حقوق کارگران هم فریز و ثابت نگه‌داشت. اگر جامعه کارگری چوب فریز کردن مزد توسط مجلس را خورد و اگر می‌خواهد تغییری بدهد باید به جای جریان‌ات سیاسی فعلی حداقل چند نفر را به مجلس بفرستد و حداقل بتواند اثرات فریز کردن حقوق را در فضای عمومی مطرح کند که حداقل باعث خواهد شد که نمایندگان کارگری در جهت منافع کارگران حرکت کنند. مجلس جایی است که نشان می‌دهد اگر نماینده داشته باشیم، از تضییع حقوق می‌توان جلوگیری کرد.

حسن صادقی می‌گوید: تشکل‌های کارگری باید روی این مسئله متمرکز شوند و بگویند اگر نتوانستیم از حقوق کارگران دفاع کنیم، علتش همان مجلس است که دست فعال کارگری را بسته است. اگر یک فراکسیون قوی داشته باشیم آن تشکل‌ها نیز بهتر عمل خواهند کرد.

او می‌گوید: از آنجا که نهاد مجلس می‌تواند نقش عمده‌ای در روند اصلاح روابط کار ایفا کند یا می‌تواند از بدعت‌های دولت‌ها که می‌خواهند به صورت فراقانونی برخی مفاد قانون کار را تغییر دهند، جلوگیری کند، لذا حضور نماینده کارگران در مجلس از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است.

معاون دبیرکل خانه کارگر درباره اهمیت حضور نمایندگان ارسوی جامعه کارگری در مجلس اضافه کرد:

در مجلس یک آقای محبوب داشتیم که فراکسیون ۸۸ نفری کارگری تاسیس کرد. این چهار سال که علیرضا محبوب نبود، ما دقیقا خلاء را در مجلس حس کردیم و احساس بی‌پناهی و مظلومیت کردیم. یک نفر انسان دارای فکر مثل ایشان و مورد وثوق جمعیت‌های سیاسی درون مجلس و تشکل‌ها می‌تواند منشاء وفاق بر سر حقوق کارگران و بازنشستگان باشد.

صادقی با انتقاد از این موضوع که جامعه کارگری که حدود ۵۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، امروز حتی به اندازه انگشتان یک دست هم در مجلس نماینده ندارد، ادامه داد: ما نمی‌گوییم کسانی که در مجلس هستند نماینده مردم نیستند اما نماینده صنفت نظامی و بازاری و پزشکی و صنعت‌گر و... هستند و کارگران از نظر صنفی نماینده ندارند.

صادقی در ادامه با اشاره به نقش تشکل‌های کارگری در انتخابات و فراخوان خانه کارگر و سایر تشکل‌ها برای پیش ثبت‌نام‌ها گفت: تشکل‌های کارگری هم اثرگذاری لازم را ندارند و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارند. جامعه کارگری از تشکل باید کاری دیده باشد که در



گزارش ماهنامه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری از حادثه تلخ معدن «طزره» سمنان؛

ایران؛ تسلیت!!

حوادثی قلمداد می کنیم و یقین داریم که همه ایرانیان داغدار فرزندان خویش در این حادثه غمبار هستند! نیک می دانیم که مدیران این معدن به عمق فاجعه می اندیشند و خود را در برابر جان باختگان و خانواده های بی گناه شان مسئول می دانند! نیک می دانیم که مقامات قضایی استان و کشور به جد پیگیر ابعاد این حادثه تلخ خواهند بود و مراجع ذیربط هم برای پیشگیری از چنین حوادثی تلاش می کنند اما حادثه خبر نمی کنند؛ سرپرست معدن طزره درباره علت و چرایی این حادثه می گوید: ما همین دیروز - ۱۱ شهریور - جلسه داشتیم در آن زمان هیچ نقطه بحرانی در هیچ جای معدن وجود نداشت!

او می گوید: بازرس کار ما ۱۰ دقیقه قبل حادثه کنار کارگران بوده و میزان سنجش گاز را صفر اعلام و ۱۰ دقیقه بعد در لحظات پایانی شیفت کار به هنگام خروج کارگران، این حادثه رخ داده بنابراین احتمالاً تصاعد گاز و ایجاد حفره گازی عامل حادثه بوده؛ حفره های گازی قابل شناسایی و پیش بینی نیستند!

کارشناس نیستیم و نمی توانیم راجع به این حادثه و حوادث مشابه نظر دهیم بنابراین منتظر گزارش تخصصی بازرسان و صاحب نظران خواهیم ماند اما به نظر می رسد می توان همچون کشورهای پیشرفته با به کارگیری تجهیزات پیشرفته از میزان خسارات به خصوص خسارات جانی کاست. این ۶ کارگر خانواده داشته اند؛ آنها منتظر فرزندشان؛ همسر و پدرشان بوده اند؛ قطعاً روح همه این کارگران عزیز شاد باشد.

نیک می دانیم که مقامات قضایی استان و کشور به جد پیگیر ابعاد این حادثه تلخ خواهند بود و مراجع ذیربط هم برای پیشگیری از چنین حوادثی تلاش می کنند اما حادثه خبر نمی کنند؛ سرپرست معدن طزره درباره علت و چرایی این حادثه می گوید: ما همین دیروز - ۱۱ شهریور - جلسه داشتیم در آن زمان هیچ نقطه بحرانی در هیچ جای معدن وجود نداشت!

معدن رعایت شده اما با توجه به این که فعالیت های معدنی دارای زمینه های خطر است؛ با هماهنگی مسئولان شرکت زغال سنگ البرز شرقی تلاش می کنیم شرایط ایمنی را بهبود بخشیم!
 همه مسئولان محترم دغدغه حوادث ناشی از کار و خسارات ناشی از آن را دارند! قطعاً وبه یقین مدیران شرکت البرز شرقی و معدن ذغال سنگ طزره نیز چنین دغدغه ای را دارند! حضور به موقع وزیران محترم کار و کشور در این معدن ناشی از مسئولیت پذیری دولت محترم در برابر چنین

شهریور ۱۴۰۲ - ۶ کارگر زحمتکش در معدن ذغال سنگ طزره در استان سمنان جان باختند! علت مرگ این کارگران تجمع گاز در یکی از تونل های معدن و انفجار اعلام شده است. عمق تونلی که انفجار رخ داده ۷۰۰ متر و حادثه در عمق ۴۰۰ متری گزارش شده است.

خبرگزاری ها و رسانه ها در خصوص این حادثه نوشتند: "حادثه انفجار در تونل رزمجای غربی معدن ذغال سنگ طزره در شمال شرقی شهرستان دامغان که شامگاه ۱۲ شهریور روی داد؛ مرگ تلخ ۶ معدن کار را در پی داشت!"

یک منبع کارگری می گوید: این واحد معدنی تحت نظارت معادن ذغال سنگ شرکت البرز شرقی فعالیت بهره برداری دارد. او می گوید: در چند سالی که از فعالیت این واحد معدنی می گذرد، نظارت برفعالیت معدن بسیار کم بوده و قبل از این حوادث مشابهی در آن رخ داده است.

۱۲ ظهرشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ در تونل شماره ۴۲ معدن بزرگ طزره دو کارگر ۳۵ و ۳۰ ساله حبس و پیکر بی جان شان ۶ روز بعد خارج می شود. ۱۵ اسفند ۱۴۰۱ هم منابع کارگری از مجروح شدن ۴ کارگر معدن کار بر اثر انفجار در معدن ذغال سنگ طزره خبر داده اند. کارگران در همان زمان گفته اند که موارد ایمنی در این معدن به درستی رعایت نمی شود و نظارت برفعالیت این واحد معدنی ناکافی است.

وزیر کشور بعد از بازدید میدانی از معدن پس از حادثه شهریور ۱۴۰۲ معدن طزره می گوید: بررسی ها نشان می دهند که مقررات لازم ایمنی در این

